



## Crown Jewels Issue in the Conflict between Muhammad-Ali Shah and Constitutionalists and the Reaction of the Russian and British Governments; A Study Based on the Unpublished Documents

Seyed Masoud Seyed Bonakdar<sup>1</sup>

(27-55)

### Abstract

After signing the constitutionalism decree and the ratification of the constitution, political and economic powers were reduced and according to the law, the royal financial rights were granted to him through the approval and supervision of the parliament. During the reign of Muhammad-Ali Shah, and in contention of his conflict with the constitutionalists, parliamentarians also limited his funds to threaten the political power of the king. The king sold and redeemed crown jewels in order to provide financial resources to advance political goals. With the end of minor despotism, the constitutionalists scrutinized crown jewels carefully and in a long process they did efforts to retrieve the jewels from the king and those who sold jewels or were taken to pledge. Russia and Britain showed a different approach to these efforts. The constitutionalism revolution guided the public opinion towards the crown jewels, and the jewels were turned from king's personal wealth to the national wealth that they were used by the monarchy under the supervision of representatives of the people. The present study Aims to Study that how constitutionalists deal with selling and pledging of jewels from him and what is the reaction of the Russian and British Governments to it. The method of this research is descriptive-analytical, and library resources and archival documents have been used in this study.

**Keywords:** Muhammad-Ali Shah, Crown Jewels, Constitutionalism, Russia, Britain

Received: 22, April, 2021; Accepted: 21, December, 2021

doi  
10.22059/jhss.2021.324488.473416  
Print ISSN: 2251-9254-Online ISSN: 2676-3370  
<https://jhss.ui.ac.ir>

---

1. Email of the corresponding author: masoudbonakdar@yahoo.com  
Professor of History of Iran, University of Isfahan, History Department

## مسئله جواهرات سلطنتی در کشمکش محمدعلی شاه با مشروطه خواهان و واکنش دولت‌های روسیه و بریتانیا (مطالعه اسنادی)

سیدمسعود سیدبنکدار<sup>۱</sup>

استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

علمی - پژوهشی

### چکیده

پس از امضای فرمان مشروطیت و تصویب قانون اساسی به میزان زیادی از اختیارات سیاسی و اقتصادی پادشاه کاسته شد و بر اساس قانون، حقوق مالی شاه با تصویب و نظارت مجلس در اختیار وی قرار گرفت. در دوران سلطنت محمدعلی شاه و در کشاکش درگیری وی با مشروطه خواهان، نمایندگان مجلس به منظور تهدید قدرت سیاسی شاه منابع مالی وی را نیز محدود کردند. شاه برای تامین منابع مالی به منظور پیشبرد اهداف سیاسی خود اقدام به فروش و رهن گذاری جواهرات سلطنتی کرد. با پایان استبداد صغیر، مشروطه خواهان با دقت بسیار اقدام به حسابرسی نسبت به جواهرات سلطنتی کردند و در یک روند طولانی تلاش‌هایی را برای بازپس‌گیری جواهرات از شاه و کسانی که جواهرات به فروش رسانیده و یا به گرو برداشته بودند انجام دادند. روسیه و بریتانیا رویکرد متفاوتی نسبت به این تلاش‌ها نشان دادند. انقلاب مشروطیت، رویکرد افکار عمومی به جواهرات سلطنتی را دگرگون کرد و جواهرات از ثروت شخصی شاه تبدیل به ثروت ملی شد که با نظارت نمایندگان ملت مورد استفاده دستگاه سلطنت قرار می‌گرفت. روش این پژوهش توصیفی تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک آرشیوی استفاده شده است. در این روش پس از جمع‌آوری اطلاعات کافی، به سازماندهی اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** محمدعلی شاه، جواهرات سلطنتی، مشروطه، روسیه، بریتانیا.

### ۱. مقدمه

#### ۱-۱. بیان مسئله

پس از صدور فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه در سال ۱۹۰۶م و تدوین قانون اساسی، به میزان زیادی از اختیارات پادشاه کاسته شد. از آنجا که قانون اساسی به لحاظ محدودیت‌های زمانی به سرعت تهیه شده بود بسیاری از جزئیات آن مشخص نشده بود. پس از درگذشت مظفرالدین شاه در طی چندین ماه متمم قانون اساسی نیز تهیه گردید و علیرغم میل باطنی جانشین او به امضای وی رسید. بر اساس قانون اساسی، پادشاه مشروطه می‌بایست به سلطنت پرداخته، امور اجرایی کشور را به وزیر دولت واگذار کند و مجلس شورای ملی بر کلیه امور کشور نظارت داشته باشد.

بر اساس قانون اساسی کلیه درآمدهای دولتی به خزانه کل کشور انتقال یافته و پس از تصویب بودجه در مجلس به دولت اجازه برداشت از آن داده می‌شد. از همان ابتدای سلطنت محمدعلی شاه رابطه میان وی و مجلس دوستانه نبود و پس از مدتی اختلافات

آنها بیشتر شد. با افزوده شدن تحرکات شاه بر ضد مشروطه‌خواهان، نمایندگان مجلس نیز سعی نمودند با محدود کردن منابع مالی شاه از دامنه تحرکات و فعالیت‌های او برضد مشروطه‌خواهان بکاهند. در این زمان حقوق و مستمری شاه توسط کمیسیون مالیه مجلس، تنظیم و تصویب می‌گردید. بر همین اساس نمایندگان مجلس که نظر خوشی به محمدعلی‌شاه و اقدامات او نداشتند، برای هرچه محدود کردن قدرت مالی او به رئیس‌الوزرا و وزیر مالیه وقت، تکلیف نمودند که موجودی خزانه دولت را که در حدود دویست‌هزار تومان بود از خزانه اندرون به وزارت مالیه منتقل نمایند. ابتدا شاه از اجرای فرمان مجلس و انتقال موجودی خزانه سرباز زد و به یکی از افرادی که مأمور اجرای قانون مجلس بود، گفت: «من از گرسنگی خواهم مرد» (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۶۱۵-۶۱۶). سرانجام با دادن اطمینان، به شاه درباره حقوق و مقرری‌اش، وی مجبور گردید علیرغم میل باطنی‌اش با انتقال پول‌های خزانه موافقت نماید (The National Archive (F.O416/34/441).

با گذشت زمان، رابطه شاه و مشروطه‌خواهان بیش‌ازپیش بحرانی‌تر شد. شاه برای مبارزه با مشروطه‌خواهان و منسجم کردن نیروهای طرفدار خود نیازمند منابع مالی بود؛ اما نمایندگان مجلس با در دست داشتن منابع مالی کشور، سعی می‌کردند، برای تحدید قدرت سیاسی پادشاه، قدرت مالی او را هم محدود نمایند. در چنین شرایطی که شاه، امکان برداشت از خزانه و دریافت وام از خارجی‌ها بدون تصویب مجلس را نداشت به سراغ مهم‌ترین منبع مالی تحت اختیار خود یعنی جواهرات سلطنتی رفت.

جواهرات سلطنتی که در دوره قاجار تحت عنوان «اسباب سلطنت» از آنها یاد می‌شد، به‌طور کامل در تملک شاه بودند؛ هرچند در آن دوره، صاحب‌منصبان متعددی ناظر بر حفاظت از جواهرات بودند؛ اما همه آنها منصوبان شاه و مجری نظرات وی بودند. در طول این دوره با وجود مشکلات مالی برای دربار قاجار، پادشاهان این سلسله (تا پایان دوره ناصرالدین‌شاه) برای رفع مشکلات مالی خود، از جواهرات سلطنتی استفاده نکردند بلکه هر یک سعی داشتند تا اقلامی را بر این مجموعه بیفزایند. در این میان، در اقدامی کم‌سابقه، مظفرالدین‌شاه برای تأمین مواجب سربازان اقدام به ضرب سکه از زرینه آلات خزانه کرد و حتی مخفیانه مقداری از جواهرات سلطنتی را در بانک شاهنشاهی به گرو گذاشت (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۳۲-۳۴؛ دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۷۳/۱-۱۷۴؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۲۳۶/۱).

محمدعلی‌شاه نیز برای خروج از شرایط موجود و تأمین هزینه‌های مبارزاتی خود با مشروطه‌خواهان به سراغ استفاده از خزانه جواهرات رفت. در همین راستا، وی در چندین مرحله اقدام به فروش و رهن‌گذاری جواهرات سلطنتی نمود که چگونگی

برخورد مشروطه‌خواهان با فروش و گروگذاردن جواهرات از سوی وی، موضوع پژوهش حاضر را دربرمی‌گیرد.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

درباره پژوهش پیش‌رو اکثر تحقیقات انجام‌شده تنها به صورت بسیار مختصر به ذکر کلیت به گرو گذاشته شدن جواهرات بسنده کرده‌اند و تاکنون جزئیاتی درباره این جریان‌ها انتشار نیافته است؛ چراکه پژوهش‌های مذکور بیشتر مبتنی بر خاطرات و اسناد خارجی بوده‌اند و امکان دسترسی به اسناد و مدارک مرتبط داخلی را نداشته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها رضوانی، در انقلاب مشروطیت ایران، است که در موضوع جواهرات تنها به ذکر کلی پروتکل پرداخته و از وضعیت جواهرات و چگونگی بازپس‌گیری آن‌ها سخنی به میان نیاورده است (رضوانی، ۲۵۳۶: ۱۹۱-۱۹۲).

ملک‌زاده نیز که به طور مفصل‌تری به ذکر وقایع مشروطه پرداخته است در خصوص چگونگی بازپس‌گیری جواهرات سلطنتی تنها هنگام جریان‌ها مربوط به خروج شاه مخلوع از کشور به صورت کلی به نحوه تحویل گرفتن جواهرات نزد شاه در سفارت روسیه اشاره کرده است و از مسائل دیگر مطالبی ارائه نمی‌دهد (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۶-۷/۱۲۸۰-۱۲۸۱).

## ۱-۳. ضرورت پژوهش

مجموعه جواهرات ملی ایران یکی از ارزشمندترین مجموعه جواهرات موجود در دنیا است و این مجموعه در وقایع تاریخی ایران حضور قابل‌توجهی داشته است. با این همه تاکنون پژوهش‌های جامعی پیرامون نقش جواهرات سلطنتی در وقایع مربوط به مشروطه انجام نپذیرفته است. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از اسناد و منابع تاریخی به بررسی نقش جواهرات سلطنتی در کشمکش‌های شاه با مشروطه‌خواهان بپردازد، رویکرد دول روس و بریتانیا در این جریان‌ها را مشخص نماید و همچنین مشخص کند که نقش جواهرات سلطنتی در این درگیری‌ها به چه صورت بوده است.

## ۲. گروگذاردن جواهرات سلطنتی

### ۱-۲. اقدام محمدعلی شاه در گروگذاردن جواهرات سلطنتی

محمدعلی شاه به واسطه از دست‌دادن اختیارش در مورد خزانه دولتی، هنگام قرارگرفتن در تنگنای مالی به سراغ جواهرات سلطنتی رفت. از آنجا که کلیه امنای جواهرات از کارگزاران دربار به حساب می‌آمدند و کلیه اسناد مربوط به جواهرات در دربار نگهداری می‌شد، شاه می‌توانست بدون اطلاع مجلس و مشروطه‌خواهان، اقدام به فروش و رهن‌گذاردن جواهرات بنماید. وی برای به دست‌آوردن وجه مورد نیاز خود پس از ناامیدی از تجار داخلی، جواهرات را در بانک استقراضی به رهن گذاشت. انتخاب بانک استقراضی از آن جهت بود که روس‌ها در مبارزات شاه با مشروطه‌خواهان، با شاه

همراهی کامل داشتند و شاه گمان می‌کرد که جریان این استقراض پنهان می‌ماند. البته درباره این اقدام شاه، دو دولت روس و بریتانیا باهم توافق نظر نداشتند. بریتانیا به واسطه آنکه دارای سیستم پارلمانی و سلطنت مشروطه بود، در مواردی با مشروطه‌خواهان همراهی می‌کرد؛ اما دولت روسیه در سرتاسر دوران انقلاب مشروطیت به مخالفت علنی خود با مشروطه‌خواهان ادامه می‌داد. درباره پرداخت وام و کمک مالی به شاه، دولت بریتانیا معتقد بود که وام باید به‌طور علنی و با تصویب مجلس به دولت داده شود و با دادن وام پنهانی به شاه مخالفت می‌کرد زیرا می‌دانست شاه با این پول می‌خواهد مخالفانش را نابود نماید. تقی‌زاده در این مورد می‌نویسد؛ «سبب عمده از بین رفتن شاه این بود که انگلیس با روسیه عهدنامه داشتند. کمک بزرگ آنها به مشروطه این شد که جلو هر نوع کمک روسها را گرفتند. حتی بانک روس اگر می‌خواست، ولو محرمانه چیزی بدهد آنها می‌فهمیدند. این بود که عرصه را بکلی تنگ کردند». در یکی از این افشاگری‌ها یکی از افرادی که در بانک روس بود و از جواهرات به‌وثیقه گذاشته اطلاع داشت صورت همه این جواهرات را در بحبوحه مشروطه منتشر کرد و باعث تشویش دولت روسیه شد (تقی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۴۷-۱۴۶). برعکس دولت بریتانیا، دولت روسیه برای کمک مالی و پرداخت وام به شاه و قلع‌و‌قمع کردن مشروطه‌خواهان، اظهار آمادگی می‌نمود. شاه از بانک استقراضی درخواست کرد تا در قبال وثیقه‌گذاشتن بخشی از جواهرات سلطنتی، وامی به مبلغ ۱۵۰ هزار تومان به وی بدهند (The National Archive F.O.416/34/441 p303&F.O. ) ۱۵۰ هزار تومان به وی بدهند (416/34/64 p35).

از این رو شاه، برای تأمین پول، برای راه انداختن «واقعه توپخانه» با خفت بسیار مقداری از جواهرات سلطنتی را وثیقه بانک استقراضی قرار داد و توانست مبلغ شصت هزار تومان وام بگیرد. سیاهه این جواهرات و مبالغی که در قبال آن وام داده شده بود را ادوارد براون از یک سند نقل کرده است. بر اساس این سند، شاپشال برای دوست خود نوشت: «[...] پس از مراجعات تلگرافی که تا ده‌دوازده روز طول کشید، با آبروریزی و بر بادی حیثیت ایران در انظار مدیر بانک و سفیر روسیه، با دادن هزارگونه توضیحات واهی از طرف سلطنت پنج‌هزارساله ایران، روس‌ها ناگزیر به قبول شده نیم‌تنه ملکه ایران را نیز گرفته، آنگاه حاضر شدند مبلغ موضوع بحث به اعلیحضرت محمدعلی‌شاه بپردازند» (براون، ۱۳۳۸: ۱۷۲-۱۷۳). شاپشال در ادامه نامه‌اش افزود که در دومین روز حادثه توپخانه مبلغ وام آماده شد و قرار بود سه تسبیح مروارید نیز به مبلغ بیست هزار تومان به‌گروگذاشته شود؛ اما در نهایت جواهرات زیر تحویل مقامات بانک استقراضی روسیه گردید و مبلغ شصت هزار تومان به شاه وام داده شد.

- ۱- نشان و تمثالهای شخص اعلیحضرت ۵۰۰۰ تومان
  - ۲- زرزیور علیاحضرت ملکه جهان (ملکه ایران) ۲۰۰۰۰ تومان
  - ۳- سه تسبیح مروارید (از ابواب جمعی خزانه‌دار مخصوص عدل السلطنه) ۲۰۳۰۰ تومان
  - ۴- سه یا چهار قطعه جواهر دیگر ۱۵۰۰۰ تومان
- جمع: ۶۰۳۰۰ تومان» (همان؛ Brown, 1910:170&171).

کلیت این ماجرا در راپورت‌های مارلینگ، کاردار سفارت بریتانیا در تهران، به سرادواردگری، وزیر خارجه بریتانیا نیز به تایید رسیده است. وی در گزارش خود به تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷ منوشت: «دیگر تردیدی باقی نمانده که جواهرات شاه به بانک روسی فروخته شده یا به گرو بانک روسی درآمده است» (The National Archive (F.O.416/34/378&F.O 416/34/387).

بررسی اسناد داخلی نشان می‌دهد که جریان وام‌گذاری جواهرات از سال ۱۹۰۷م آغاز شد. نقش اصلی در این جریان بر عهده همسر شاه و از مخالفان جدی مشروطه بود. اولین بخش از این جواهرات، که شاه بعدها مدعی بود جزء جواهرات جهیزیه همسرش بوده است به دستور ملکه جهان در سال ۱۹۰۷م در دو مرحله توسط شاپشال نزد بانک استقراضی به رهن گذاشته شد. ملکه جهان ابتدا دستور داده بود که مقداری جواهر را نزد یکی از بازرگانان گرو بگذارند. مبلغ پیشنهادی و نرخ تنزیل تاجر مزبور مورد قبول ملکه جهان واقع نشد؛ لذا دستور داد بعد از چند روز جواهرات را در بانک استقراضی گرو بگذارند. جواهرات مذکور توسط شاپشال به خانۀ رئیس بانک استقراضی برده شد و ارزیابی شد. بانک پانزده هزار تومان تحویل نمایندگان ملکه جهان داد و جواهرات سر به مهر نمایندگان ملکه جهان در گرو بانک قرار گرفت. بعد از چهار روز در مرتبه دوم به دستور ملکه جهان ۲۷ پارچه جواهر دیگر در بانک به گرو گذاشته شد. در مقابل این جواهرات مبلغ بیست هزار تومان توسط بانک پرداخت شد و رسیدها تحویل شاپشال شد (استادوخ: 1327-k65-p3-13.1,13).

در مواردی دیگر به دستور شاه جواهرات دیگری از خزانه جواهرات سلطنتی استخراج و توسط نزدیکان شاه در بانک استقراضی به رهن گذاشته شد از جمله تسبیح‌های اعلی به گرو گذاشته شده تسبیح مروارید اکبرشاه هندی بود (ساکما: ۲۹۵/۷۲۰۸؛ استادوخ: 1327-k65-p-3-7). در گزارشی آمده بود که از این تسبیح‌های اعلی سه رشته را نیرالدوله ظاهرا برای انتظام کار قشون به ده هزار تومان در بانک به گرو گذاشته بود و مابقی شش رشته را شاه دستور داده بود که بفروشند (استادوخ: 1327-k65-p-3-21؛ ساکما: ۲۹۵/۷۲۰۸؛ عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۲۷۲۰/۴). در این بین در تحقیقاتی که بعد از پایان استبداد صغیر انجام گرفت مشخص شد که در ۱۹ آوریل ۱۹۰۹ تعداد ۴۶۰ قطعه زمرد سلطنتی را در مقابل دریافت بیست هزار تومان به گرو گذاشته بودند؛ اما به دلیل نارضایتی شاه و ملکه

جهان از مبلغ داده شده اصل و بهره پول را پرداخت کرده زمردها را از بانک استقراضی تحویل ملکه دادند (استادوخ: 1328-k65-p-2-44).

به غیر از جواهراتی که به رهن بانک استقراضی گذاشته شد، شاه بخش دیگری از جواهرات سلطنتی را نیز به منظور پیشبرد مقاصدش به فروش رساند. متهم اصلی در فروش جواهرات، کامران میرزا، عمو و پدر زن شاه، بود. وی به شاه پیشنهاد داده بود که می تواند مقداری از جواهرات سلطنتی را به قیمت مناسب بفروشد. شاه نیز مقداری از مرواریدها و زمردها را برای فروش در اختیار وی قرار داده بود. «ملکه ایران» عمه شاه و همسر ظهیرالدوله که برای دیدار شاه مخلوع به سفارت روسیه رفته بود، شاهد گفتگوی شاه با کامران میرزا برای پاسخ به شارژدافر روس درباره مرواریدها و زمردهای سلطنتی بود. کامران میرزا ضمن تأکید بر پاسخ‌های قبلی خود به ملکه ایران گفته بود: «یک روز من رفتم باغ، شاه دیدم سه تا زمرد شاه دارد می فروشد به بیست و پنج هزار تومان گفتم اینها را به این ارزانی نفروشید! من گرفتم فروختم به یک فرنگی به پنجاه هزار تومان، پولش را دادم به شاه قدری هم مروارید می خواستند بفروشدند من گرفتم دادم شده کرده به قیمت خوب فروختم حالا حضرات [مشروطه خواهان] می گویند تو تمام جواهرات را دزدیدی و فروختی، یا باید پولش را بدهی یا عین جواهرها را» (ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۴۴۱).

در این اظهارات نیز عدم صداقت کامران میرزا مشهود است چراکه همان گونه که مشخص خواهد شد مرواریدهای مذکور از قبل به ریسمان کشیده شده بودند و رشته کردن مجدد آنها توسط کامران میرزا مؤید اتهام وی در تصرف نسبت به مرواریدهای سلطنتی بود. عزیزالسلطان (ملیجک) نیز که پس از کشته شدن ناصرالدین شاه در دستگاه کامران میرزا خدمت می کرد، نقش کامران میرزا در فروش مرواریدها و زمردهای سلطنتی را تأیید می کند (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۵۹۸/۲). گفته می شد وی کیسه ای از زمردها را که ۱۶۰ هزار تومان قیمت داشت با نامی جعلی به مبلغ چهل و هشت هزار تومان خریداری کرده بود (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۲۶۸۷/۴-۲۷۲۰-۲۷۴۴-۲۷۶۵-۲۸۲۰-۲۸۲۱؛ ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۴۳۸-۴۳۶؛ عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۵۹۱/۲-۱۵۹۸).

درباره خریدار خارجی جواهرات طبق گزارش وزیرمختار بریتانیا، سر جورج بارکلی<sup>۱</sup> به سراداردگری<sup>۲</sup>، مورخ ۱۹۰۹م گفته می شد یک تبعه بریتانیایی به نام ریچارد و شخصی به نام کتابچی، به طور محرمانه برای خرید جواهرات شاه مشغول مذاکره بودند.

۱. Sir G. Barclay

۲. Sir Edward Grey

گفته می‌شد که آنها در استخدام جواهرفروشی «کارتیر<sup>۱</sup>» بوده‌اند (The National Archive F.O. 416/40/65&70). تقی‌زاده در این مورد می‌نویسد ریچارد زمانی که فهمیده بود محمدعلی‌شاه قصد فروش جواهرات سلطنتی را دارد، خود را به تهران رسانید و با کتابچی‌خان که فرد کارآموده‌ای بود برای خرید جواهرات وارد گفتگو شد. در ضمن ریچارد که می‌دانست سفارت بریتانیا نمی‌خواهد هیچ پولی به دست شاه برسد سعی نمود این گفتگوها پنهانی برگزار شود؛ اما ظاهراً خبر به گوش روس‌ها که خصوصاً در این مورد زیر فشار دولت بریتانیا قرار داشتند، رسید و سفیر روسیه به همتای بریتانیایی‌اش اعتراض نمود: «که شما ما را به جان آوردید و عرصه را ما تنگ کردید. خودتان الان جواهرات می‌خرید!» (تقی‌زاده، ۱۳۶۳: ۱۴۷).

سفیر بریتانیا که از طرفی مورد اعتراض همتای روسی‌اش قرار گرفته بود و از طرف دیگر نگران بدست‌آوردن منابع تازه مالی توسط شاه بود، تصمیم گرفت برای جلوگیری از سرگرفتن این معامله از بانک شاهی بخواهد تا برای انتقال پول به حواله کتابچی یا ریچارد، نرخ گزافی را مطالبه نماید تا بدین واسطه مانع انجام معامله گردد. سفیر بریتانیا که به خوبی می‌دانست انتقال پول به تهران بدون اینکه بخواهند از بانک شاهی ایران یا بانک روس استفاده نمایند کار بسیار مشکلی خواهد بود، از مسیو سابلین<sup>۲</sup>، همتای روسی‌اش، خواست تا پیشنهاد مشابهی درباره بانک روس به دولت متبوعش بفرستند، اما آن طور که سفیر بریتانیا به وزیر خارجه در فردای آن روز گزارش نمود کتابچی کاملاً تحت تأثیر خشم و عصبانیتی که با خرید جواهرات شاه به مشروطه‌خواهان، دست می‌داد قرار گرفت و با ارسال نامه‌ای به سفارت بریتانیا در تهران، به سفیر اطمینان داد که داخل این معامله نخواهد شد (The National Archive F.O. 416/40/65&70). البته این تعهد به نظر می‌رسد که برای معاملات بعدی بوده است چراکه وی سه قطعه زمردهای سلطنتی را خریداری کرده بود (استادوخ: 1327-k65-p23-26,29.1-1327-k65-p3-2,3,3.1,4,4.1).

البته مشروطه‌خواهانی نیز که در خارج بودند با انتشار مقالات و اعلامیه‌ها در روزنامه‌های خارجی سعی می‌نمودند با روشن کردن افکار عمومی و افشای اقدامات محمدعلی‌شاه، مانع از فروش یا به رهن و وثیقه‌گذاشتن جواهرات سلطنتی به خصوص توسط کمپانی‌ها و دولت‌های اروپایی شوند (ثقفی اعزاز، سال ۹: شماره ۲، ۴۵). انتشار این اخبار به میزانی افزایش یافته بود که سفیر ایران در لندن خبر داد که در مطبوعات گفته

---

۱. Cartier

2. Sabline



می‌شود که جواهرات سلطنتی را برای دادن خرج قشون در بانک روس به چهل هزار لیره به گرو گذاشته‌اند (استادوخ: 1327-k13-p1-117).

## ۲-۲. اقدامات مشروطه‌خواهان برای بازپس‌گیری جواهرات

اوج مسئله جواهرات سلطنتی زمانی بود که شاه پس از فتح تهران، با برداشتن مقداری از جواهرات سلطنتی به سفارت روسیه پناهنده شد. شاه مدتی قبل از فتح تهران با ترک کاخ گلستان، به قصر سلطنت آباد تغییر مکان داده بود. مسلماً در این جابه‌جایی، شاه بخشی از جواهرات سلطنتی در صندوق‌خانه‌اش را هم، به اقامتگاه خود در سلطنت آباد منتقل نمود. این‌ها جواهراتی بودند که شاه در زینت پیکر و لباس خود از آنها استفاده می‌نمود؛ اما همچنان بخش اعظم جواهرات سلطنتی در خزانه اندرون در کاخ گلستان قرار داشت. بنابر این به نظر نمی‌رسد که شاه آن‌چنان که پیش‌بینی شده جواهرات سلطنتی را برای همراه بردن با خود انتخاب کرده باشد؛ چراکه قطعات ارزشمند دیگری مانند تاج کیانی همچنان در خزانه باقی‌مانده بودند. از این رو سخنان حاج سیاح چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. وی می‌نویسد: «محمدعلی‌شاه از جواهرات و پول‌های ذخیره‌ای که در خزینه و دربار بود هرچه بیشتر و گران‌بهاتر بود [،] برداشته [بود]» (حاج‌سیاح، ۱۳۴۶: ۱۵). با شکست نیروهای شاه و پیشروی مشروطه‌خواهان، شاه پس از برداشتن جواهرات سلطنتی به سفارت روسیه پناهنده شد.

اگرچه بردن جواهرات سلطنتی به سفارت روسیه توسط محمدعلی‌شاه انعکاس بسیار بدی برای وی داشت؛ اما باید به این نکته هم توجه نمود که اگر شاه جواهرات را با خود از قصر سلطنت آباد به سفارت نبرده بود امکان بسیاری بالایی داشت که همان بلایی که سر تفنگ‌های غارت‌شده دربار آمده بود بر سر جواهرات هم بیاید و امکان بازپس‌گیری آنها از غارتگران بسیار مشکل شود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۲۷۳۳/۴؛ تقی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۴۵؛ سفری، ۱۳۷۰: ۳۸۷).

از زمان پناهندگی محمدعلی‌شاه به سفارت روسیه در ۱۴ جولای ۱۹۰۹ م یکی از دغدغه‌های سران مشروطه نگهداری از جواهرات سلطنتی بود. جدای از جواهرات فروخته‌شده و به گرو گذاشته شده بخش قابل‌توجهی از جواهرات شاخص سلطنتی نیز توسط شاه به سفارت روسیه برده شده بود. با توجه به اتفاقاتی که برای جواهرات سلطنتی پیش‌آمده بود سران مشروطه در هیئت‌مدیره کمیسیون به نام «کمیسیون تسهیل حرکت محمدعلی میرزا» را تشکیل دادند. اعضای این کمیسیون وظیفه داشتند ضمن رسیدگی به وضعیت متحصنین در سفارت‌خانه‌ها زمینه خروج محمدعلی میرزا از کشور را مهیا نموده و وضعیت جواهرات سلطنتی را نیز مشخص نمایند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۷-۱۲۸۰/۶).

با تشکیل کمیسیون، رسیدگی به موضوع جواهرات نیز در دستور کار قرار گرفت. ابتدا قرار شد کلیه جواهرات سلطنتی که در سایر بخش‌های دربار نظیر زین‌خانه، سرایدارخانه، قهوه‌خانه و صندوقخانه قرار داشتند مشخص و مجتمع گردند و موجودی جواهرات با سوابق موجود مطابقت داده شود. برای این منظور، در چند روز با حضور اعضای کمیسیون درب خزانه اندرون باز شد و کلیه جواهرات با صورت‌های قدیمی مطابقت داده شد و کسری‌های آنها مشخص شد (ساکما: ۲۹۵/۷۲۰۸؛ عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۵۹۱/۲). در آن تحقیقات مشخص شده بود دو جعبه انگشتر به همراه مقدار زیادی مروارید و تعدادی زمرد اعلی از خزانه کسر شده است. البته این سوی جواهرات صندوقخانه بود که هنوز به آن رسیدگی نشده بود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۲۶۸۷/۴).

#### ۲-۲-۱. بررسی وضعیت صندوقخانه

صندوقخانه وضعیت متفاوت‌تری داشت، زیرا بنا به رسم معمول، اموال و جواهرات صندوقخانه تحویل رئیس آن می‌گردید. از این رو برای رسیدگی به اموال و جواهرات صندوقخانه، رئیس صندوقخانه، عدل‌السلطنه، به کمیسیون مزبور احضار گردید تا توضیحات خود را بیان دارد. وی در کمیسیون بیان داشت که نسبت به کلیه رسیدگی‌هایی که از جانب وی تحویل اعتماد حضور شده است، خود را مسئول اموال صندوقخانه می‌داند. وی ادامه داد که بخشی از اموال را هنگام اقامت محمدعلی میرزا در باغ‌شاه، به صندوقخانه آنجا برده‌اند ولی هنگام ورود مجاهدین به قزوین به علت وحشت و اضطرابی که در باغ‌شاه پدید آمده بود وی جواهرات و اشیاء قیمتی را در چهار صندوق و یک کیف قرار داده به اندرون برده است. وی تأکید نمود که اگر این جواهرات همان‌گونه سر به مهر تحویل وی دهند؛ او خود را مسئول تمام اموال صندوقخانه خواهد دانست (استادوخ: 1327-k65-p3-12).

در ادامه بازدید اموال صندوقخانه پس از مطابقت اسناد و افراد موجود، کسورات صندوقخانه مشخص گردید. بر اساس فردهای موجود بخشی از جواهرات بر اساس دستخط‌هایی که عدل‌السلطنه از محمدعلی میرزا داشت به افرادی نظیر ملکه جهان، ولیعهد و پاره‌ای از درباریان بخشیده شده بودند (ساکما: ۲۹۵/۷۲۰۸).

#### ۲-۲-۲. ادامه تلاش‌ها برای روشن‌شدن وضعیت جواهرات سلطنتی

در جریان پناهندگی شاه به سفارت، یکی از مهم‌ترین موضوعات موردگفتگو در بین نمایندگان هیئت‌مدیره، سفرای روس و بریتانیا و شاه، موضوع استرداد جواهرات سلطنتی بود. این استرداد هم شامل جواهراتی می‌گردید که شاه با خود به سفارت برده بود و هم شامل آن بخش از جواهرات می‌گردید که شاه آنها را فروخته و یا به صورت وثیقه در گرو بانک استقرای قرار داده بود.

در ابتدا محمدعلی میرزا بیان می‌داشت که این جواهرات متعلق به خود اوست و ضرورتی نمی‌بیند که حساسی به کسی پس بدهد. البته برای پادشاهی که اعتقادی به مشروطه و به رسمیت شناختن حقوق ملت نداشت چنین اظهاراتی چندان جای تعجبی نداشت. در مقابل، فاتحین تهران و مشروطه‌خواهان باور داشتند که جواهرات سلطنتی متعلق به ملت و مورد استفاده مقام سلطنت است. بنابراین پادشاه حق دخل و تصرف در آنها ندارد. تقی‌زاده که از طرف هیئت‌مدیره با شاه مخلوع درباره جواهرات سلطنتی مذاکره می‌نمود در مورد مذاکراتش با وی نوشت: «محمدعلی‌شاه که به سفارت روس رفت حاضر نبود جواهرات را پس بدهد. خیلی صحبت کردیم که اینها مال شخصی نیست، مال مملکت است. قبول نمی‌کرد. بالاخره گفتیم بعداً هم دست پسر شما خواهد بود. گفت من هر چه دارم همه‌اش مال احمد است. مرحوم نواب از آنجاکه بیرون آمدیم به سفیر روس گفت که تمام شد، همه‌اش را داد آنها حیرت کردند. رفتند از خودش پرسیدند. او آتش گرفت گفت [...] نواب به دهن من دروغ می‌گذاری! نواب گفت خودتان فرمودید که من هر چه دارم مال احمد است. بدین ترتیب بالاخره همه را گرفتیم» (تقی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۴۶).

البته استرداد جواهرات چندان هم به‌آسانی پیش نمی‌رفت چراکه شاه مخلوع سعی داشت با در دست داشتن جواهرات سلطنتی از آنها به عنوان یک اهرم فشار برای قبولاندن شرایط خود به اعضای هیئت‌مدیره استفاده نماید. مأمور سفارت بریتانیا در گزارش خود مورخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۹م در این باره نوشت: «جواهرات سلطنتی علت عمده تعویق حرکت محمدعلی میرزا است گمان می‌شود که محمدعلی میرزا جواهرهای مذکور را با اسباب شخصی خود به سفارت برده باشد و تا اطمینان نکنند که موجب کافی در حق او برقرار خواهند نمود البته جواهرات را تسلیم نخواهد کرد، اگر این جواهرات از این مملکت خارج بشود دیگر جمع‌آوری آنها ممکن نخواهد شد. من و همکاران روسم دولت ایران را نصیحت نمودیم که به محمدعلی میرزا پیشنهادی بنمایند. دولت ایران هرچند که مایل است به هراندازه‌ای که امکان دارد محمدعلی میرزا را زودتر از ایران خارج نماید ولی طبعاً هم‌میل دارند که جواهرات سلطنتی محفوظ بماند» (سفری، ۱۳۷۰: ۳۸۷).

به‌رغم تلاش‌هایی که سفرای روس و بریتانیا در جریان مذاکرات انجام می‌دادند طرفین حاضر به قبول شرایط یکدیگر نبودند. اعضای هیئت‌مدیره در زمانی که شاه مخلوع در سفارت پناهنده شده بود، مشغول رسیدگی به وضعیت جواهرات سلطنتی خزانه اندرون بودند.

از آنجا که مذاکرات نمایندگان هیئت‌مدیره با محمدعلی میرزا بدون رسیدن به نتیجه‌ای مشخص به دراز کشیده بود، سفرای روس و بریتانیا تصمیم گرفتند برای حصول توافق به طرفین فشار بیاورند. مأمور سفارت بریتانیا در گزارش خود نوشت «من خیلی مایوسم که مسئله جواهرات سلطنتی بین دولت ایران و شاه ختم شود مگر اینکه به هر دو طرف ما فشار سختی بیاوریم. من و همکار روسم ترتیبی را پیشنهاد نموده و هر دو طرف را به قبول آن اصرار

می‌نماییم و آن ترتیب این است که دولت ایران موجب محمدعلی میرزا را تا پنجاه هزار تومان اضافه نماید و آن وقت او هم جواهرات را تسلیم دولت ایران کند» (همان).

درنهایت، پروتکلی تنظیم گردید که تعدادی از فصل‌های آن اختصاص به مسئله جواهرات سلطنتی و نحوه استرداد و آزادسازی آنها از وثیقه وام‌ها داشت.

فصل‌های مربوط به استرداد جواهرات سلطنتی به شرح ذیل است: «فصل اول چون اعلیحضرت محمدعلی میرزا، اظهار داشته است که کلیه جواهرات و سایر اشیای سلطنتی را - که در تصرف او بود - به دولت ایران تسلیم کرده است که دولت ایران پس‌ازاین که کلیه جواهرات و سایر اشیای سلطنتی را که دریافت داشته است، ثبت برداشت، صورتی نیز از اشیای مفقود یا تعویض شده مرتب ساخته، به سفارتین ارائه خواهد داد و سفارتین در خصوص جواهرات و اشیای مزبور از اعلیحضرت محمدعلی میرزا توضیحات و تفصیلات قاطعانه خواهد خواست و اگر بعضی از این اشیاء نزد خود محمدعلی میرزا یا اشخاصی که در سفارت روس متحصن هستند، یافت شود یا توضیحاتی که داده‌اند، بی‌مآخذ باشد، سفارتین حتی‌الامکان در استرداد اشیای مزبور، سعی و اهتمام خواهند نمود.

فصل دوم اگر در مقابل محاکم سفارتین، ثابت شد که بعد از تاریخ ۱۶/۳ ژوئیه سنه ۱۹۰۹م اعلیحضرت محمدعلی میرزا چیزی را از جواهرات و اشیای سلطنتی فروخته و یا رهن گذارده یا مفقود کرده است، اگر استرداد عین اشیای مذکوره ممکن نشود، دولت ایران قیمت آنها را از مستمری او کسر خواهد گذاشت.

فصل سیم اعلیحضرت محمدعلی میرزا، اسنادی را که به موجب آنها جواهرات سلطنتی را در بانک یا سایر صرافخانه‌ها یا نزد اشخاص متفرقه گرو گذاشته است و پول گرفته، به دولت ایران تسلیم خواهد کرد و دولت ایران، مختار است به میل خود اشیای مزبور را از رهن خارج نماید» (ساکما: ۳۶۰۰۰۸۷۵). درباره جزئیات متن قرارداد برخی پژوهش‌ها دچار اشتباه گردیده‌اند. از این رو متن دقیق و صحیح پروتکل، سند مورد اشاره است که با متن اصلی (به زبان فرانسه) پروتکل و ترجمه انگلیسی آن در گزارش‌های وزارت امور خارجه بریتانیا مطابقت کامل دارد (Iran political Diary 1881-1965, 4/130؛ شوستر، ۱۳۵۱: ۵۰؛ سردار اسعد، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

با وجود پذیرش پروتکل محمدعلی میرزا راضی نبود و با ارسال تلگراف به تزار خواستار حمایت بیشتری شده بود (براون، ۱۳۳۸: ۳۵۰-۳۵۱). شاه مخلوع، پس از امضاء پروتکل، جواهرات سلطنتی را در دو نوبت تحویل مقامات دولت ایران داد. از میان چهار صندوق و یک کیف جواهرنزد محمدعلی میرزا، در نوبت اول دو صندوق با حضور نمایندگان دولت ایران و دولت بریتانیا و روسیه (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۴/۲۷۲۶) تحویل عدل‌السلطنه گردید و چون جواهرات موجود در دو صندوق و یک کیف دیگر حاضر نبود

قرار شد که در آینده تحویل گردد. جواهرات تحویل داده شده شامل جنگ افزارهای مرصع و جقه‌های سلطنتی از جمله جقه معروف دریای نور بود (ساکما: ۲۹۵/۷۲۰۸).  
نوبت دوم در تاریخ ۲ آگوست ۱۹۰۹ با حضور نمایندگان دولت ایران و روس و بریتانیا دو صندوق و یک کیف گشوده شد و پس از اطمینان از سلطنتی بودن آنها و تهیه صورت تحویل عدل السلطنه شد. سپس یک کیسه زمرد و یک کیف مهمور (محتوی یازده کیسه مروارید) بازگردید که از کامرانیه و توسط ملکه جهان فرستاده شده بودند. کارشناسان جواهرات را به طور مختصر بررسی و شمارش کرده، سپس توسط نمایندگان روس و بریتانیا و هیئت مدیره مهروموم شدند. بر اساس تحقیقات صورت گرفته مشخص شد که برخی از صندوق‌ها پس از فرار شاه از سلطنت آباد به کامرانیه برده شده بودند، همچنین عدل السلطنه اضافه نمود که کیف محتوی مرواریدها را ابتدا از منزل کامران میرزا به سلطنت آباد آورده بودند (استادوخ: 1327-k65-p42-11؛ عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۲۷۳۳/۴).

#### ۲-۳. بررسی وضعیت مرواریدها و زمردهای کسری کامران میرزا

در جلسه‌ای که در صندوقخانه برگزار شد موضوع کیف مروارید بررسی گردید و مشخص شد که قبلاً به دستور شاه صندوق مروارید را نزد کامران میرزا برده بودند. در آنجا مهر صندوق مروارید برداشته و بنا به درخواست نماینده شاه هر سیزده کیسه موجود در صندوق جداگانه وزن شد و یک صورت سه نسخه‌ای تهیه گردید. گفته می‌شد که در آن روز تعدادی تاجر جواهر در امیریه حضور داشتند. وزن کل سیزده کیسه مروارید (همراه با وزن کیسه‌ها) ۱۳۱۹۶ مثقال بود. جواهر فروشان، مرواریدهای هر کیسه را به طور تخمینی قیمت گذاری کرده، قیمت آنها را بر کیسه‌ها نصب نمودند. سپس کلیه کیسه‌ها در صندوق قرار گرفته مهر شده تحویل کامران میرزا گردید. عدل السلطنه بیان نمود که چند روز بعد کامران میرزا از وی درخواست غربال مخصوص جدا کردن مرواریدها را کرده بود. در ادامه رسیدگی به موضوع مرواریدها مشخص شد که از سیزده کیسه مروارید، دو کیسه آن که ۳۰۱۱ مثقال وزن داشته نزد کامران میرزا باقی مانده بوده است. گفته می‌شد وی یکی از کیسه‌ها را گرو گذاشته بود و دیگری را فروخته بود (استادوخ: 1327-k65-p42-5,12). در ادامه زمردهایی نیز که بر اساس صورت‌ها کسر بود بررسی شد. بر اساس این صورت‌ها از زمردهای پیاده خزانه اندرون نه قطعه کسر بود و سیزده قطعه زمردهایی بودند که «عوض آنها ملاحظه نشد و در کیسه ریخته شده چون بوصف ذیل مطابقت نداد است لهذا نوشته می‌شود» (استادوخ: 1327-k65-p42-9).

در ۱۴ آگوست وزارت خارجه درخواست نمود که نامه‌ای به بانک استقراضی ارسال شود تا این بانک صورت دقیقی از جواهرات رهن گذاشته شده را اعلام نماید (استادوخ:

1,2-p17-k52-1327). وزارت خارجه به سفرای روس و بریتانیا نیز اعلام داشت که ۳۵۰۰ مثقال مروارید و ۲۲ قطعه زمرد از جواهرات سلطنتی کسر است و بر اساس پروتکل توافق شده با این سفارتخانه خواستار استرداد این جواهرات گردید (استادوخ: 1327-k65-p3-95). این مرواریدها را در حدود پانصد و هفتاد هزار تومان قیمت کرده بودند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۴/۲۷۶۵).

در گزارش تائید نشده‌ای به اطلاع کمیسیون «تسهیل مسافرت محمدعلی میرزا» رسیده بود که در طی چهار نوبت تعدادی از جواهرفروشان مسلمان و یهودی جواهرات سلطنتی را از کامران‌میرزا خریده بودند (استادوخ: 1327-k65-p3-11). بدین منظور کمیسیون مزبور حکم بازجویی افراد متهم را صادر نمود. سید احمد جواهری اولین جواهرفروشی بود که از میان این گروه بازجویی شد و اطلاعات کامل‌تری نسبت به بقیه ارائه کرد. وی بیان داشت که کامران‌میرزا از وی خواسته بود تا دو نفر خارجی به نام‌های ریچارد انگلیسی و مسیو ادوارد کتاچی را برای خرید جواهرات به منزل کامران‌میرزا ببرد. کامران‌میرزا به سید احمد جواهری گفته بود که این جواهرات را شاه به‌عوض ملک منظریه که از کامران‌میرزا خریده به او داده است. کامران‌میرزا از حاج احمد جواهری خواسته بود که این جواهرات را برای وی بفروشد و طلب خود را از پول این جواهرات وصول نماید. جواهرات عرضه‌شده به خریداران شامل جواهراتی نظیر رشته آویز زمرد و تسبیح‌های اعلائی مروارید بود. اروپایی‌ها از میان چهار زمرد به رشته کشیده شده به غیر از یکی از آنها که از میان سوراخ شده بود بقیه را که ۲۸۰ قیراط وزن داشت به ۵۵ هزار تومان خریدند (استادوخ: 1327-k65-p23-26,29,1؛ 1327-k65-p3-2,3,3.1,4,4.1).

در روز ۳ سپتامبر ۱۹۰۹م جلسه‌ای با حضور نمایندگان سفارت روس و بریتانیا و دولت ایران برای رسیدگی به موضوع جابه‌جا شدن دانه‌های مروارید تسبیح‌های سلطنتی در صندوقخانه برگزار شد. پس از بررسی شهادت‌های کتبی و شفاهی برخی از درباریان مشخص شد که نزدیکان شاه مخلوع تسبیح‌ها را به اندرون برده‌اند و حتی این تسبیح‌ها در خانه کامران‌میرزا نیز مشاهده شده است لذا معلوم گردید حتی اگر همه آنها در جابه‌جایی مرواریدها دست نداشته‌اند از کم‌وکیف امور آگاه بوده‌اند (استادوخ: 1327-k65-p42-6,7). چند روز بعد رشته انگشترهای سلطنتی نیز بررسی شدند (استادوخ: 1327-k65-p-3-1,116). از میان این انگشترها در ۲۹می ۱۹۰۹ تعداد ۲۱۴ حلقه انگشتر الماس در بانک استقراضی به گرو گذاشته شده بود (ساکما: ۲۹۵/۷۲۰۸).

## ۲-۳. خروج محمدعلی شاه و جواهرات سلطنتی

در روز ۶ سپتامبر و یک روز قبل از خروج محمدعلی میرزا، نمایندگان دولت همراه با نماینده سفارت روسیه، برای شنیدن توضیحات محمدعلی میرزا درباره طومار کسر جواهرات به سفارت روسیه رفتند. محمدعلی میرزا توضیحاتی کتبی در حاشیه طومار

نوشت. وی همچنین به‌طور شفاهی توضیحاتی ارائه نمود که نمایندگان دولت آن را به‌صورت زیر مکتوب کردند:

۱. در باب کسری مرواریدها توضیح داد که یک کیسه هشتصد و کسری از مرواریدها در بانک گرو است بقیه مرواریدها نزد کامران میرزا است که مقداری را فروخته که نزد خریدار موجود است و وجه آن را داده مرواریدها را به انضمام آنچه پیش کامران میرزا هست را مسترد دارند.

۲. در خصوص سکه‌های طلا توضیح داد که در اول سال به فقرا داده شده.

۳. درباره زمردها نیز در حاشیه طومار نوشته بود که همان سه قطعه فروخته شده و شش قطعه دیگر نزد کامران میرزا است.

۴. درباره کسری‌های صندوق‌های جواهرات خزانه اندرون پاسخ داد که «من دزد مال خودم نبودم» و چهار دفعه بیشتر به خزانه نرفتم آن‌هم در حضور امنای دربار برای بازدید و استخراج تعدادی از جواهرات بود.

۵. در باب هشت قطعه جواهر در حاشیه طومار نوشت که گرو در بانک است و شفاهی بیان داشت که سند آن نزد امین حضور است.

۶. در باب شانزده رشته تسبیح مروارید شفاهی بیان داشت که در گرو بانک است و اسناد آنها نزد عدل السلطنه است.

۷. در خصوص جواهراتی که خواجه حرمسرا و شاپشال در بانک به گرو گذاشته شده بود نوشت که «اینها کلیه مال خانم است ربطی بدولتی ندارد ابداً».

۸. درباره جواهرات صندوقخانه نیز نوشت «اینها بعدالسلطنه دستخط داده شده» وی در ادامه به‌صورت شفاهی بیان داشت «شاه بودم و بخشیدم».

۹. در باب دوپست و چهل و یک حلقه انگشتر الماس فلامک پاسخ داد که در بانک گرو است و سند آن نزد وثوق حضور است.

۱۰. درباره تنخواه بیست و نه هزار و ششصد و سی و سه تومان و هشت قران در حاشیه طومار دستخط نمود که به مختارالدوله از بابت محاسبات نقدی دستخط داده شده و به‌طور شفاهی اضافه نمود که «شاه بودم و خرج کردم چنانچه بعد از فوت ناصرالدین شاه مرحوم هشت کرور پول نقد خزانه را مرحوم مظفرالدین شاه خرج نمود من نیز خرج کردم».

۱۱. درباره کسری اشرفی‌های خزانه اندرون هم بیان داشت که به امین الضرب داده شد و ثبت آنها نزد امنای دربار است (استادوخ: 115,115.1-p3-k65-1327).

بر اساس توافقات انجام شده مقرر شد که شاه مخلوع و همراهانش در روز ۷ سپتامبر سفارت روسیه را به‌منظور خروج از کشور ترک نمایند. با آنکه در این مدت حسابرسی

جواهرات انجام شده بود، تحقیقات پیرامون سرنوشت جواهرات مفقوده ادامه داشت. با وجود این مشروطه خواهان به علت مخاطراتی که حضور شاه مخلوع می توانست در سفارت روسیه برای دولت مشروطه ایجاد کند برای خروج وی همکاری کردند.

اما هنوز سرنوشت آن بخش از جواهرات سلطنتی که به فروش رفته یا در رهن بانک استقراضی بودند نامعلوم بود. بر اساس پروتکل، دولت مشروطه می توانست با پرداخت بدهی‌ها و وام‌های محمدعلی میرزا، جواهرات را از رهن آزاد کرده به خزانه عودت دهد. بدین منظور دولت جدید، تمام قروض محمدعلی میرزا را تقبل نمود و در عوض شاه سابق هم املاک خصوصی خود، در آذربایجان را با اسناد و قبایلات آن، به دولت واگذار کرد. بر طبق این توافق، دولت موظف شد سالانه تومان به محمدعلی میرزا پرداخت نماید که استمرار این مقرری منوط به این بود که شاه سابق تحرکی علیه دولت جدید انجام ندهد (هدایت، ۱۳۶۳: ۲۳۹ و ۲۴۰؛ مستوفی، ۱۳۸۶: ۱۱۸۹/۲-۱۱۹۱؛ سفری، ۱۳۷۰: ۳۸۸؛ کسروی، ۱۳۴۰: ۷۱-۷۲؛ Brown, 1910: 324&32). طبق خاطرات تقی زاده، هنگام خروج شاه سابق و خانواده اش از سفارت چون شایع شده بود که وی هنوز مقداری از جواهرات سلطنتی را همراه خود دارد به درخواست ستارخان، اثاثیه و جیب‌های شاه سابق را بازرسی کردند. در این بازرسی چند قطعه جواهر پیدا شد که توسط اعضای هیئت دولت موقت صورت جلسه گردید؛ همچنین به دستور ستارخان برای بازرسی اثاثیه ملکه جهان و خدمه اش و تفتیش بدنی آنها چند زن مأمور این کار شدند و حتی به طرف موهنی لباس‌های زیر ملکه را تفتیش و چند قطعه الماس هم پیدا کردند. این رفتارها باعث عصبانیت شاه سابق گردید و خواست که از ادامه آن جلوگیری نماید اما ستارخان گفت «هرچه جنایت کرد بس نبود، حالا می خواهی دارایی‌های رعیت را به تاراج ببری». در چنین وضع رقت‌باری سرانجام محمدعلی میرزا به همراه خانواده و تعدادی از خدمه اش از راه انزلی به روسیه رفت (ستایش، ۱۳۸۵: ۱۰۵-۱۰۶). این اتفاق در تاریخ جواهرات سلطنتی ایران نقطه عطف بزرگی بود و پس از این جریانات در مقاطعی از جواهرات سلطنتی به طور معناداری با عنوان جواهرات دولتی یاد می شد. این جواهرات از نظر دولت مشروطه عملاً متعلق به ملت شده و نمایندگان مجلس شورای ملی خود را مسئول رسیدگی به وضعیت مهم‌ترین ثروت ملی یعنی همان جواهرات سلطنتی می دانستند. در این مدت با آنکه جواهرات در سفارت به خزانه بازگشت داده شده بودند اما هنوز اقدام عملی برای آزادسازی جواهرات گروئی در بانک استقراضی و جواهراتی که توسط کامران میرزا به تجار فروخته شده بود انجام نگرفت.

۲-۴. اقدامات تکمیلی دولت مشروطه برای مطالبه جواهرات سلطنتی از کامران میرزا و بانک

استقراضی



پس از خروج شاه مخلوع ادامه تحقیقات به منظور روشن نمودن جواهرات فروخته شده توسط کامران میرزا و آن بخش از جواهراتی که در بانک استقراضی به رهن گذاشته شده بود از سر گرفته شد (استادوخ: 1327-k65-p18-21). از آنجا که گفته می‌شد مقداری از مرواریدهای دولتی توسط چند تن از تجار در بانک شاهنشاهی به گرو گذاشته شده است. وزارت خارجه در اختاریه‌ای به بانک خواستار توقیف مرواریدها تا روشن شدن وضعیت آنها شد. از سوی دیگر، کارشناسان جواهر دولت مأمور شدند که مرواریدهایی را که میرزا ابوطالب و شرکایش در شرکت اسلامیة در بانک شاهنشاهی قرار داده بودند بررسی نمایند تا مشخص شود آیا از مرواریدهای مفقوده سلطنتی در بین آنها وجود دارد یا نه. طبق گفته این کارشناسان اغلب مرواریدهای گران‌قیمت مشاهده شده جزو کیسه هشت صد مثقالی بود که قبلاً نزد کامران میرزا و صندوقخانه قرار داشت (استادوخ: 1327-k65-p23-35؛ 1327-k65-p3-94).

از همان ابتدای به گرو رفتن جواهرات، دغدغه دولت، امکان به حراج گذاشتن آنها از سوی بانک بود؛ چراکه در یک مورد بانک، اقدام به حراج و فروش سه تسبیح اعلی مروارید کرده بود. بانک در واکنش به اعتراضات وزارت خارجه، جلوگیری از حراج جواهرات را منوط به تسویه مطالبات خود کرده بود. دولت نیز این تسویه حساب را مشروط به امکان معاینه جواهرات می‌دانست. بانک هم بازدید از جواهرات را در صورت در دست داشتن اسناد جواهرات مسیر می‌دانست. از آنجایی که بخشی از اسناد جواهرات گرو گذاشته شده توسط شاپشال در دست دولت نبود، دولت بر اساس فصل سوم پروتکل خواستار مساعدت سفارت روس و بریتانیا برای دسترسی به اسناد جواهرات و معاینه آنها شد (استادوخ: 1327-k65-p-3-88؛ 1327-k65-p23-2؛ 1327-k65-p-3-52؛ 1328-k65-p-2-1328-k65-p-2-21؛ 8,9). وزارت خارجه همچنین خواستار اعلام مشخصات جواهرات گروئی و اصل و بهره وجه آنها بر اساس شش سند موجود در نزد دولت شد (استادوخ: 1328-k65-p-2-20). در نتیجه مذاکرات انجام شده بانک ضمن ارائه صورت حساب و موافقت موقت با مستثنی کردن جواهرات دولتی از بانک، اجازه معاینه جواهرات را هم صادر کرد. این اجازه شامل جواهراتی هم شد که اسناد آنها مفقود بود و توسط شاپشال در ازای دریافت ۵۸۹۰۰ تومان به گرو گذارده شده بودند (استادوخ: 1328-k65-p-2-45؛ 34,43). مبلغ اصل و بهره شش بسته جواهرات گروئی تا تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۱۰ از سوی بانک به قرار ذیل اعلام شد (استادوخ: 1328-k65-p-2-41): جلسه‌ای برای مشاهده بسته جواهری که اسناد آن در اختیار دولت نبود در ۲۸ فوریه ۱۹۱۰ با حضور کارشناسان و امنای دولت در بانک استقراضی برگزار شد. وزارت خارجه در پی این جلسه اعلام داشت دو بسته از این جواهرات با ثبت‌های دولتی مطابقت داشته و

نسبت به بسته دیگر ادعایی وجود ندارد. وزارت خارجه همچنین خواستار اعلام صورت حساب مبلغ اصل و بهره این دو بسته شد (استادوخ: 1328-k65-p-2-44؛ 1328-k65-p-2-33). این جواهرات آنهایی بودند که محمدعلی میرزا در موردشان در طومار کسر جواهرات نوشته بود که تعلق به جهیزیه ملکه جهان دارند و ابدأ ربطی به جواهرات دولتی ندارد (استادوخ: 1327-k65-p3-115,115.1). دقیقه برعکس نظری که نمایندگان دولت اظهار می داشتند.

بهره ای که تعلق گرفته بود	مبلغی که بابت گروهی داده شده	نمرات گروهی ها	پارچه های جواهر و رهن گذاشتن آنها	زمان گرو گذاشتن		
				سال	روز	ماه
۱۰۲۵۰	۲۰۰۰۰	۱۳۶۹۵	چهار رشته تسمیح مروارید توسط شاپشال	۱۹۰۷	۱۵	دسامبر
۲۸۰۰	۱۰۰۰۰	۲۱۷۵۵	سه رشته تسمیح مروارید توسط نیرالدوله	۱۹۰۸	۱	دسامبر
۴۰۰۰	۲۵۰۰۰	۲۳۶۸۸	جقه و جواهرات خزانه اندرون توسط فخرالاطباء و عدل السلطنه	۱۹۰۹	۱۹	مارس
۱۹۵۰	۱۵۰۰۰	۲۵۲۴۵	مروارید ریزه به وزن بیست و چهار گبروانکه توسط وثوق حضور	۱۹۰۹	۱۶	می
۹۴۵	۹۰۰۰	۲۶۶۶۸ (۲۶۳۶۸) این شماره صحیح تر است	تعداد دو بیست و چهار و یک حلقه انگشتر الماس فلامک توسط وثوق حضور	۱۹۰۹	۲۹	ژوئن
۹۰۰۰	۸۰۰۰۰	۲۶۶۶۲۰	سه رشته تسمیح مروارید که سعد الدوله توسط مختار الدوله و میرزا اکبرخان به رهن گذاشتند	۱۹۰۹	۲۸	ژوئن
۲۸۹۴۵ (استادوخ: 1328-k65-p-2-18,42,42.1,58)	۱۵۹۰۰۰		شش عدد			

همزمان پیگیری های دولت برای جواهراتی که کامران میرزا در آن تصرف نموده بود نیز در جریان بود. حسینقلی خان نواب در نامه ای به وزارت خارجه گزارشی از بی توجهی سفارت های روس و بریتانیا به تصرفات کامران میرزا در جواهرات دولتی ارائه نمود و نوشت کامران میرزا مدعی است ۸۳۳ مثقال مرواریدهای سلطنتی را فروخته و وجه آن را به محمدعلی میرزا پرداخت کرده است. نواب بیان داشت دو ماه قبل که قرار بود سفارت روسیه از کامران میرزا درباره اینکه مرواریدها را به چه کس و چه مبلغی فروخته است

نوشته کتبی بگیرد «هرچه مطالبه توضیحات کتبی از سفارت روس می‌شود جواب نمی‌دهند و تکلیف این شعبه در مورد کامران میرزا سخت شده است» (استادوخ: 1328-k65-p-2-23,50).

بر اساس وعده همکاری وزیرمختار بریتانیا برای روشن شدن اقدامات کامران میرزا جلسه‌ای با حضور امنای دولت و نمایندگان سفارت روس و بریتانیا برگزار شد (استادوخ: 1328-k65-p16-2,24). در این جلسه وکیل کامران میرزا اعلام کرد از ۸۳۲ مثقال مروارید ۴۶۸ مثقال آن به سید محمود صراف فروخته شده است. این تاجر هم خرید مرواریدها را تصدیق کرد؛ باوجوداین برای نمایندگان دولت ثابت نشد که مرواریدهای معامله‌شده از ۸۳۳ مثقال مرواریدهای سلطنتی تحویلی کامران میرزا باشد. بنابراین سید محمود صراف برای شفاف‌سازی چگونگی پرداخت‌ها، شاهدان و مکان معامله، دفاتر ثبت خریدوفروش و چگونگی قیمت‌گذاری و تشخیص مروارید اصل از بدل بازجویی شد (استادوخ: 1328-k65-p-7-26,25, 21). در آزمایش قیمت‌گذاری و تشخیص مرواریدهای اصل از بدل مشخص شد قیمت‌گذاری‌هایش دقیق بود؛ اما در تشخیص مرواریدهای بدل ناتوان بود. وی بیان داشت که بخشی از مرواریدها در بانک استقراضی در مقابل دریافت ۱۳۰۰ تومان گرو است و بقیه آنها نزد وی است (استادوخ: 1328-k65-p7-19-23). در جلسه‌ای دیگر دفاتر تجاری سید محمود صراف بررسی شد (استادوخ: 1328-k65-p-7-28,18) و در ادامه وکیل کامران میرزا از قول موکلش بیان داشت که از ۸۳۳ مثقال ۴۶۸ مثقال آن را به قیمت مشخص‌شده به سید محمود فروخته و بعد از کسر بیست مثقال وزن کیسه ۳۴۵ مثقال دیگر به حاجی شکرالله جواهری فروخته شده است و پول مرواریدها را هم مطابق سندی که از محمدعلی میرزا دریافت کرده‌اند تحویل او شده است (استادوخ: 1328-k65-p-7-5,16).

پس از بررسی‌های انجام‌شده و به دنبال گفتگوهای نمایندگان دولت با سفارت‌های روس و بریتانیا برای روشن شدن وضعیت کامران میرزا نامه‌ای توسط حسینعلی نواب از سوی دولت به سفارت روس و بریتانیا نوشته شد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۴/۲۷۲۰؛ استادوخ: 1328-k65-p-7-5,16).

در این نامه بیان شد دولت ایران پس از بررسی شواهد و قرائن معتقد است که کامران میرزا از میان سیزده کیسه مروارید، در دو کیسه آن که ۳۰۱۱ مثقال وزن دارد دخل و تصرف کرده و پس از جدا کردن مرواریدهای اعلی و قرار دادن مرواریدهای ارزان‌تر در این دو کیسه ۲۱۷۸ مثقال آن را در بانک استقراضی به گرو گذاشته و ۸۳۳ مثقال آن را به تاجر فروخته است. دولت این‌گونه نتیجه گرفته بود که مرواریدهایی که در بانک به گرو گذاشته بودند و مرواریدهایی نیز که به تاجر فروخته بودند همه مرواریدهای اعلی سلطنتی نیست و در نتیجه معتقد بودند مرواریدهای اصلی خزانه

کماکان نزد کامران‌میرزا است و «آنچه کامران‌میرزا می‌گوید با آنچه به‌راستی و در واقعیت وجود دارد زمین تا آسمان توفیر دارد» در نتیجه دولت خواهان مساعدت دو سفارت روس و بریتانیا برای بازگرداندن اصل مرواریدها یا قیمت ارزش معادل آنها بود. در مورد زمردهای مفقوده هم دولت اظهار داشت بر اساس تحقیقات انجام‌شده زمردها پیش از رسیدن شاه به زرگنده نزد کامران‌میرزا بوده و تنها چند روز بعد ملکه جهان آنها را از کامران‌میرزا گرفته و به خزانه باز پس داده است. دولت معتقد بود زمانی که زمردها نزد کامران‌میرزا بوده است وی نه قطعه از این زمردها را برداشت کرده و سه قطعه از آنها را به ۵۵۰۰۰ تومان فروخته بوده است. بنابراین دولت خواهان استرداد شش قطعه زمره باقی‌مانده نزد کامران‌میرزا بود (استادوخ: 1328-k65-p7-6-11).

اولین واکنش رسمی به این نامه از سوی وزیرمختار بریتانیا به تاریخ ۸ آوریل ۱۹۱۰ بود. وی معتقد بود اگر امور به اصلاح بگذرد بیشتر از این در خصوص رفتار کامران‌میرزا راجع به جواهرات دولتی تفتیش لازم نیست؛ او به نواب اطلاع داد که شرط وزیرمختار روس برای فشار آوردن به کامران‌میرزا بابت استرداد پول جواهرات به دولت، اجازه دادن برای ماندن کامران‌میرزا در تهران است. وزیرمختار درباره ادامه تحقیقات اضافه کرد که «یقین دارم که خلاف کامران‌میرزا در تبدیل مرواریدها و در خصوص زمردهای مفقود به ثبوت نخواهد پیوست اما در باب چهارصد مثقال مروارید مفقوده جای امیدی هست» (استادوخ: 1328-k65-p-7-7-12).

## ۲-۵- بیرون آوردن جواهرات سلطنتی از گروهی بانک استقراضی

بر اساس امتیازنامه بانک استقراضی این بانک متعهد بود بابت رهن جواهرات تومانی یک‌صد دینار بهره و بیست‌وپنج دینار برای حق محافظت آنها مطالبه نماید. این قاعده تا اواسط استبداد صغیر برپا بود تا اینکه در جریان هرج‌ومرج‌های ایجادشده، بانک نیز فرصت را غنیمت شمرده، اعلام نمود که پس‌ازاین برای جواهرات و فلزات قیمتی سه شاهی بهره خواهد گرفت. به‌واسطه وضعیت آن دوران مردم جرئت اظهار مخالفت نداشتند، حتی مباشرین دولت نیز مقداری جواهرات سلطنتی را با همان نرخ بهره دویست دیناری که برخلاف اصول امتیازنامه بانک نیز بود به گرو گذاشته بودند. حتی این بانک در سال ۱۹۱۰ در روزنامه ایران نو اعلام داشته بود که مقداری جواهرات سلطنتی در این بانک از قرار هیجده درصد و بیست‌وچهار درصد گرو است. این اعلامیه موجب نارضایتی و اعتراض وزارت مالیه و خارجه شده بود (استادوخ: 1328-k52-p-7-9-9)؛ به‌طوری‌که وزارت خارجه در نامه‌ای به سفارت روسیه نوشت: بر اساس فصل شانزدهم امتیازنامه بانک استقراضی «اسباب مرهونه باید بعد از یک سال از گرو خارج بشود هرگاه صاحب‌مال نتواند بعد از یک سال مال خود را از گرو بیرون بیاورد یا تجدید نماید در ماه سیزدهم آن

سند فروخته خواهد شد.» این اشاره بدان جهت بود که بانک اعلام نموده بود که تاریخ مهلت گروها را از یک سال به پنج ماه تقلیل داده بود (استادوخ: 1328-k52-p-7-8).

این تغییر رویکرد باعث نگرانی مجدد وزارت خارجه از به حراج گذاشتن جواهرات شد. از این رو وزارت خارجه ضمن یادآوری اقدام گذشته بانک در حراج گذاشتن تسیح‌ها از دو سفارت گله نمود که بر اساس پروتکل آنها می‌بایست اسناد مربوط به جواهرات گروئی را از محمدعلی میرزا گرفته تحویل دولت دهند تا دولت بتواند جواهرات را از رهن خارج کند (استادوخ: 1327-k65-p-3-82). وزارت خارجه که از تعلل سفارت روسیه درباره جواهرات مرهون به شدت نگران بود اعلام کرد از آنجاکه به زودی مدت رهن جواهرات به پایان خواهد رسید، سفارت از بانک بخواهد که از حراج این جواهرات ممانعت شود و امکان معاینه جواهرات فراهم شود (استادوخ: 1327-k65-p-3-110). پس از موافقت بانک و معرفی نمایندگان دولت کلیه شش بسته دیگر جواهرات گروئی در بانک معاینه شدند (استادوخ: 1327-k65-p-3-19، 106؛ 1327-k65-p-3-14). اصالت کلیه جواهرات از نظر کارشناسان احراز شده، بسته‌ها به مهر نمایندگان دولت ممهور شدند. کارشناس‌ها تنها درباره کیسه ۲۱۸۷ مثقالی مروارید اظهار داشتند این مرواریدها رشته نشده و مخلوط بودند در حالی که مرواریدهایی که تحویل کامران میرزا بودند همگی رشته شده بودند. آنها اضافه نمودند قیمت این مرواریدها با قیمت مرواریدهای تحویل شده به کامران میرزا متفاوت است (استادوخ: 1328-k65-p-2-37).

بر اساس مذاکرات انجام شده بانک اعلام کرد کلیه جواهرات تا رسیدن توافق با دولت ایران یک ماه توقیف می‌شوند (استادوخ: 1327-k65-p-3-109). البته باید در نظر داشت هیئت مدیره‌ای که اداره کشور را تا تشکیل مجلس شورای ملی در دست داشت با مشکلات مالی فراوانی نیز مواجه بود. نبود منابع مالی کافی تهیه اصل و بهره جواهرات مرهونه در بانک و نزد سایر افراد را سخت‌تر می‌کرد. جدای از مشکلات مالی پیچیدگی‌های سیاسی نیز کار آزادسازی جواهرات را دشوارتر می‌نمود.

در رابطه با مشکلات مالی ایران و اقداماتی که قرار بود برای مدیریت مقابله با آن انجام شود اخبار متفاوتی به گوش می‌رسید. خبرنگار تهران تایمز ضمن شرح مفصلی از اوضاع نابسامان اقتصادی ایران نوشته بود که به واسطه بی‌پولی دولت هنوز امکان ارسال نیروهای نظامی به برخی از مناطق کشور، وجود ندارد و برخی از راه‌ها مسدود شده و تجارت رونقی ندارد. این خبرنگار اضافه نموده بود که هیئت مدیره برای خروج از این بحران حتی می‌خواسته جواهرات سلطنتی را نزد بانک‌ها به گرو بگذارد اما این کار انجام نشد. سفارت ایران در لندن ضمن ارسال این اخبار به وزارت خارجه یادآور شده بود که مدتی قبل تجارتخانه بزرگی از لندن پیغام داد که اگر دولت مایل باشد که با گرو

گذاردن جواهرات سلطنتی استقراض نماید بسیار مایل به انجام این کار است (استادوخ: 1332-k14-p-2-69). در همین رابطه صدراعظم عثمانی نیز به سفیر ایران پیشنهاد داده بود که به اقتضای اسلامیت حاضر است که برای کمک به رفع مشکلات مالی دولت ایران جواهرات سلطنتی را در بانک اوتمان گرو گذاشته و وجه آن را با تنزیلی به قرار هفت درصد پرداخت نماید. صدراعظم عثمانی به نقل از سفیر کبیرشان در تهران شنیده بود که دولت می‌خواسته به واسطه بی‌پولی، نیم میلیون لیره استقراض کرده جواهرات سلطنتی را گرو بگذارد؛ اما هیچ‌یک از بانک‌ها با نرخ سود کمتر از دوازده و چهارده درصد پول نمی‌دهند و دولت نیز قادر به پرداخت چنین مبلغ بهره‌ای نبوده است (استادوخ: 1327-k11-p-1-179).

در چنین شرایط آزدسازی جواهرات سلطنتی تا آوریل ۱۹۱۱ به درازا کشید. با آنکه از مدت‌ها قبل محل پرداختی مبلغ اصل و بهره شش بسته از جواهرات در اقساطی پانزده‌ساله از عایدات گمرکات شمال تأمین شده بود؛ با این‌همه تحویل جواهرات به تعویق افتاده بود. وکیل‌الرعا یا نماینده مجلس در گزارش خود به مجلس علت این تعویق را در این دانست که «از ترس تهمت کسی جرئت نمی‌کند این جواهرات را از بانک به خزانه نقل دهد» (کمام: ۲/۱۳۰/۳/۱/۹۷/۱).

با دستور نایب‌السلطنه اقدامات به‌منظور تحویل جواهرات آغاز شد. بانک تحویل جواهرات را منوط به حضور افرادی کرد که بسته‌ها را مهر کرده بودند (استادوخ: 1329-k52-p-20-1,6,7,5,4,8,10). مورد دیگر این بود که بانک اعلام کرد از هشت بسته جواهرات گروهی تنها شش بسته‌ای را تحویل خواهد داد که دولت رسید آنها را در اختیار دارد (استادوخ: 1329-k52-p-20-11؛ 1329-k52-p-20-24). در شرایط ایجادشده دولت ضمن اعلام اعتراض خود تصمیم گرفت شش بسته را از رهن بانک خارج کرده تا برای دو بسته دیگر اقدامات لازم انجام شود (استادوخ: 1329-k52-p-20-14,15,16,17).

نهایتاً شش بسته جواهرات پس از پرداخت اصل و بهره مبلغ رهن به بانک توسط امنای دولت در ژوئن ۱۹۱۱ تحویل گرفته شد (ساکما: ۲۴۰۰۲۲۶۸۱)؛ اما هنوز تکلیف دو بسته جواهر باقی‌مانده نامشخص بود. وزارت مالیه و خارجه از همین زمان نامه‌های اعتراضی به بانک و سفارت روسیه ارسال داشتند و خواستار اعلام اصل و بهره مبلغ رهن این دو بسته جواهر برای خروج از رهن بانک شدند. بانک پاسخ روشنی به نامه‌ها نمی‌داد و دولت ایران را برای دریافت جواب به سفارت روسیه ارجاع می‌داد (استادوخ: 1329-k52-p-20-25,26,27,28,29,30,31).

در سال‌های بعد با وجود پیگیری‌های وزارت مالیه و خارجه از بانک و سفارت روسیه و یادآوری مفاد پروتکل (استادوخ: 1330-k52-p9-4,5,7-10) پاسخ بانک، بی‌اعتنا به آنچه اتفاق افتاده بود این بود که دو بسته جواهر امانت گذاشته‌شده در بانک به اسم

محمدعلی میرزا است و تسلیم آنها تنها با اجازه شاه سابق و یا نماینده وی شاپشال میسر خواهد بود (استادوخ: 1330-k52-p9-6). سفارت روسیه نیز در سال ۱۹۱۳ به دولت ایران اعلام داشت ملکه جهان به بانک اعلام کرده که این جواهرات جهیزیه وی بوده و وی اسناد آنها را گم کرده و خواستار صدور المثنی برای آنها شده است. سفارت روسیه اضافه نمود در صورت اعلام نشدن فوری این اسناد از سوی دولت، بانک این اسناد را باطل دانسته المثنی آنها را به ملکه جهان خواهد داد (استادوخ: 1331-k52-p23-1). این پاسخ‌ها این گمان را تقویت می‌نمود که در پشت پرده توافقاتی بین بانک و سفارت و شاه مخلوع در حال شکل گرفتن بوده است.

مجدداً وزارت خارجه به سفارت پاسخ داد که از این سه بسته، دو بسته آن جزو هشت بسته جواهرات دولتی است و سربه‌مهر امنای دولت است و می‌بایست بر اساس پروتکل تحویل دولت ایران شود (استادوخ: 1331-k52-p23-2). با آنکه پیگیری‌ها در بخش‌های پایین‌تر دولت همچنان ادامه یافت اما به نظر می‌رسید دیگر عزم جدی در سطوح بالای دولت و دربار برای رسیدگی به این موضوع وجود ندارد. در سال‌های بعد مجدداً اداره محاسبات بیوتات پیگیر موضوع دو بسته جواهر شد (استادوخ: 1327-k65-p12-20). در یکی از نامه‌های اداره محاسبات نکته متفاوت این بود که اظهار داشت محتمل است در ضمن آن دو بسته از اشیاء متعلق به ملکه جهان هم گذاشته باشند اما بخش عمده آن از جواهرات سلطنتی است (استادوخ: 1337-k35-p13-2). پیگیری نامه مذکور به وزارت خارجه محول شد. این وزارتخانه هم در مورد اقدامات صورت گرفته پاسخ داد که بانک صورت مبلغ اصل و بهره این حساب تا سال ۱۹۱۵ را اعلام داشته و این مطلب به وزارت مالیه منعکس شده است که با رعایت منافع دولت چه اقدامی را انجام دهند. در جریان این پیگیری‌ها سرانجام این دو بسته در سال ۱۹۱۹ با همراهی دولت روسیه، بانک و با همکاری وزیر دربار با پرداخت پنجاههزار تومان از سوی احمدشاه از رهن بانک خارج شده و بدون سروصدا به استناد آنکه این جواهرات جهیزیه ملکه جهان بوده است جزو جواهرات شخصی احمدشاه شدند (استادوخ: 1337-k35-p13-4؛ 1337-k35-p13-3,13).

با آنکه دو بسته جواهرات مذکور بی‌سروصدا در سال ۱۹۱۹ تحویل احمدشاه شده بود، نمایندگان مجلس (از جمله ارباب کیخسرو) بی‌خبر از تبادلات پشت پرده همچنان سراغ این دو بسته را از رئیس‌الوزرا می‌گرفتند. وی نیز با پاسخ‌های کلی به پرسش نمایندگان، مسئله را به تحقیقات دقیق‌تر در آینده موکول کرد (لوح فشرده صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۷۲).

مسئله مرواریدها و زمردهای سلطنتی نیز که محل مناقشه بین دولت و کامران‌میرزا بود به نتیجه‌ای نرسید. کامران‌میرزا (پدر بزرگ احمدشاه) توانست موضوع را تا حد ممکن مسکوت گذاشته از پرداخت غرامت به دولت بابت تصرف در جواهرات سلطنتی طفره رود. با این همه گاهی از سوی نمایندگان مجلس و اداره بیوتات این موضوع مطرح می‌شد اما به نتیجه‌ای نمی‌رسید. موضوع رسیدگی به وضعیت جواهرات سلطنتی در مارس ۱۹۲۲ در مجلس مطرح شد و ارباب کینخسرو شاهرخ و شیخ اسدالله محلاتی از نمایندگان مجلس درباره وضعیت جواهرات از دولت مشیرالدوله سؤال کردند (همان؛ اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵: ۱۴۱/۲). از جمله سؤالات مطرح‌شده مسئله فروش مرواریدهای سلطنتی توسط کامران‌میرزا در جریان استبداد صغیر بود. او می‌بایست در ازای تبدیل مرواریدها، مبلغ هشتاد هزار تومان غرامت به دولت می‌پرداخت؛ اما تا ۱۹۲۲ هنوز مبلغی پرداخت نشده بود (متما، ۱۵-۴-۲-۱۳۲-م). پس از اعلام این موضوع در مطبوعات، کامران‌میرزا در نامه‌ای خطاب به مجلس مطالب اعلام‌شده درباره خود را بی‌مأخذ و مدرک دانست و در نهایت وقاحت همه آنها را تکذیب کرد (متما: ۸۷-۱۵-۱۴۴-م). ارباب کینخسرو در پاسخ به تکذیبیه کامران‌میرزا به گزارش اداره محاسبات بیوتات استناد کرد. در گزارش مذکور این اداره از بی‌نتیجه ماندن رسیدگی به موضوع مرواریدها و زمردهای سلطنتی خبر داده افزوده بود که کامران‌میرزا هشتاد هزار تومانی را که می‌بایست بابت غرامت جواهرات به دولت پرداخت نماید نپرداخته و افزون بر آن کامران‌میرزا مرواریدهایی را که چهل هزار تومان قیمت داشتند و به شرکت اسلامیّه فروخته بود را نیز به خزانه مسترد نکرده بود (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵: ۱۴۵/۲-۱۴۶).

در سال ۱۹۳۷ نامه‌ای از سوی فردی ناشناس مبنی بر سرقت مقداری از جواهرات سلطنتی نزد ورثه کامران‌میرزا به اداره کل شهربانی رسید. این نامه به دربار شاهنشاهی ارجاع داده شد و دربار نیز مجدداً جویای روشن شدن وضعیت ۸۳۲ مثقال مروارید و شش قطعه زمردی شد که دولت از کامران‌میرزا مطالبه داشت. تحقیقات از اداره بیوتات و وزارت خارجه ادامه یافت اما هر دو از نتیجه کار و بازگشت جواهرات به خزانه اظهار بی‌اطلاعی کردند (استادوخ: SH1315-k20-p17-1-4). پیگیری این جواهرات نیز در گذر زمان به فراموشی سپرده شد و نه جواهرات و نه مبالغ تعیین‌شده به خزانه بازگشت داده نشد.

### ۳. نتیجه

محمدعلی شاه پس از محدودیت‌های اعمال‌شده بر منابع مالی‌اش توسط نمایندگان مجلس، برای تأمین هزینه‌های سرکوب مشروطه‌خواهان به دلیل در اختیار نداشتن منابع مالی دیگر متوسل به استفاده از جواهرات سلطنتی شد. واکنش دو دولت روس و بریتانیا به این اقدام شاه متفاوت بود. دولت تزاری روسیه به علت نظام استبدادی‌اش تمایل



داشت تا با فراهم نمودن امکانات مالی برای شاه کمک به سرکوب مشروطه‌خواهان کرده باشد. از این رو بانک استقراضی روسیه با در اختیار گذاردن وام در قبال رهن گذاشتن جواهرات سلطنتی در بانک به شاه در سرکوب مشروطه‌خواهان کمک می‌کرد. در مقابل دولت بریتانیا که دارای نظام پارلمانی بود رویکرد متفاوت‌تری نسبت به جریان مشروطه در ایران داشت. بریتانیا از سوی دیگر نگران افزایش قدرت روسیه، رقیبش، در منازعات داخلی ایران بود و با آشکار نمودن جریان به‌گرو گذاشته شدن جواهرات سلطنتی، سعی در تخریب نقشه‌های دولت روسیه می‌کرد. رویکرد این دو دولت پس از پایان استبداد صغیر در جریان بازپس‌گیری جواهرات سلطنتی در مواردی تشابه و تفاوت داشتند. هر دو دولت در جریان خروج شاه و تنظیم پروتکل و بازپس‌گیری جواهرات نزد شاه همکاری کردند؛ اما در جریانات مربوط به آزادسازی جواهرات از رهن بانک و رسیدگی به تصرفات کامران میرزا واکنش این دو دولت متفاوت بود. دولت بریتانیا نسبت به این دو موضوع موقعیتی منفعلانه داشت؛ اما دولت روسیه که به واسطه بانک استقراضی مستقیماً درگیر این ماجرا بود به میزان بسیار زیادی برای بازپس‌گیری و آزادسازی جواهرات کارشکنی می‌کرد و از پشت پرده با شاه مخلوع و کارگزارانش همراهی می‌نمود به طوری که رسیدگی به تصرفات کامران میرزا در جواهرات را منوط به اقامت وی در پایتخت کردند و در رسیدگی به اتهامات وی با او همراهی می‌کردند. بعدها در جریان آزادسازی دو بسته جواهر باقی‌مانده در بانک نیز همراهی بسیاری با شاه مخلوع نشان دادند. با وجود تفاوت رویکرد روسیه و بریتانیا در رسیدگی به وضعیت جواهرات سلطنتی هیئت‌مدیره تلاش بسیاری در جهت حفظ و صیانت از جواهرات سلطنتی انجام داد. در نتیجه این تلاش‌ها بخش اعظم جواهرات به خزانه عودت داده شده و دارای ثبت و صورت کامل‌تری شدند. با وجود تحقیقات وسیعی که در مورد تصرفات کامران میرزا در مرواریدها و زمردهای سلطنتی انجام شد و شواهد متعددی که دال بر تصرفات وی ارائه شد، این جواهرات و حتی معادل مبالغ آن به خزانه مسترد نشد؛ چراکه در دوره قاجار به واسطه نسبت خاندانی وی با شاه به میزان زیادی مسئله مسکوت ماند. در دوره پهلوی نیز به واسطه گذشت زمان و تناقض‌گویی‌های کامران میرزا مسئله به فراموشی سپرده شد. جدال مشروطه‌خواهان و محمدعلی شاه در مورد جواهرات سلطنتی نشان داد که تحت تأثیر تبلیغات مشروطه‌خواهان، رویکرد افکار عمومی نسبت به مسائل مختلف مخصوصاً در ارتباط با حوزه اختیارات و تعلقات شاه تغییر کرد. در نتیجه، جواهرات سلطنتی از یک مجموعه خصوصی متعلق به شخص شاه، به جواهرات دولتی و یک ثروت ملی تبدیل شد و پس از آن، جواهرات سلطنتی تحت نظارت

نمایندگان ملت در اختیار پادشاه قرار می‌گرفت. یکی از پیامدهای این تغییرات، حفظ این مجموعه در جریان تحولات و حوادث تاریخ معاصر ایران است.

### منابع

- ابتهاج، ابوالحسن، *خاطرات*، تهران، انتشارات بهار، ۱۳۷۱.
- احتشام‌السلطنه، *خاطرات*، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۷.
- براون، ادوارد، *انقلاب ایران*، ترجمه احمد پژوه، تهران، معرفت، ۱۳۳۸.
- تقی‌زاده، سیدحسن، *زندگی طوفانی*، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات محمدعلی علمی، ثقی اعزاز، دولت‌حسین، «مقاله مشروطیت ایران»، مجله وحید، سال ۹، شماره ۱، ۱۳۶۸۲.
- حاج سیاح، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۶.
- دولت‌آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، تهران، عطار، ۱۳۷۱.
- رضوانی، محمد اسماعیل، *انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۲۵۳۶.
- سردار اسعد، علیقلی خان، *تاریخ بختیاری «خلاصه‌الاعصار فی تاریخ البختیاری»*، به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳.
- سفری، محمدعلی، *مشروطه‌سازان*، نشر علم، ۱۳۷۰.
- شوسترو، مورگان، *اختناق ایران*، بنگاه، مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ۱۳۵۱.
- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی (لوح فشرده).
- ظهیرالدوله، *خاطرات و اسناد*، به کوشش ایرج افشار، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۱.
- عزیز السلطان، غلامعلی خان، *روزنامه خاطرات*، به کوشش محمد میرزایی، تهران، زریاب، ۱۳۷۶.
- عین‌السلطنه، قهرمان‌میرزا سالور، *روزنامه خاطرات*، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
- کسروی، احمد، *تاریخ هجده‌ساله آذربایجان*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من*، تهران، هرمس، ۱۳۸۶.
- ملک‌زاده، مهدی، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی خان، *خاطرات و اسناد نظام‌السلطنه مافی*، تصحیح معصومه مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان و حمید رام‌پیشه، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
- هدایت، مخبرالسلطنه، *گزارش ایران*، به اهتمام محمدعلی صوفی، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۳.

### اسناد

#### اسناد منتشر نشده

- استادوخ: (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- استادوخ: 1327-k65-p3-13.1,13
- استادوخ: 1327-k65-p-3-7
- استادوخ: 1327-k65-p-3-21
- استادوخ: 1327-k65-p23-26,29.1
- استادوخ: 1327-k65-p3-2,3,3.1,4,4.1
- استادوخ: 1327-k13-p1-117
- استادوخ: 1327-k65-p3-12
- استادوخ: 1327-k65-p42-11
- استادوخ: 1327-k65-p42-5,12

- استادوخ: 1327-k65-p42-9  
استادوخ: 1327-k52-p17-1,2  
استادوخ: 1327-k65-p3-95  
استادوخ: 1327-k65-p3-11  
استادوخ: 1327-k65-p23-26,29.1  
استادوخ: 1327-k65-p42-6,7  
استادوخ: 1327-k65-p-3-1,116  
استادوخ: 1327-k65-p3-115,115.1  
استادوخ: 1327-k65-p18-21  
استادوخ: 1327-k65-p23-35  
استادوخ: 1327-k65-p3-94  
استادوخ: 1327-k65-p-3-88  
استادوخ: 1327-k65-p23-2  
استادوخ: 1327-k65-p-3-52  
استادوخ: 1327-k65-p3-115,115.1  
استادوخ: 1327-k65-p-3-82  
استادوخ: 1327-k65-p-3-110  
استادوخ: 1327-k65-p-3-19  
استادوخ: 1327-k65-p-3-14,106  
استادوخ: 1327-k65-p-3-109  
استادوخ: 1327-k11-p-1-179  
استادوخ: 1327-k65-p12-20  
استادوخ: 1328-k65-p-2-44  
استادوخ: 1328-k65-p-2-8,9  
استادوخ: 1328-k65-p-2-21  
استادوخ: 1328-k65-p-2-20  
استادوخ: 1328-k65-p-2-34,43  
استادوخ: 1328-k65-p-2- 45  
استادوخ: 1328-k65-p-2-41  
استادوخ: 1328-k65-p-2-18,42,42.1,58  
استادوخ: 1328-k65-p-2-44  
استادوخ: 1328-k65-p-2-33  
استادوخ: 1328-k65-p-2-23,50  
استادوخ: 1328-k65-p16-2,24  
استادوخ: 1328-k65-p-7-26,25, 21  
استادوخ: 1328-k65-p7-19-23  
استادوخ: 1328-k65-p-7-28,18

- استادوخ: 1328-k65-p-7-18  
استادوخ: 1328-k65-p-7-5,16  
استادوخ: 1328-k65-p7-6-11  
استادوخ: 1328-k65-p-7-12  
استادوخ: 1328-k52-p-7-9  
استادوخ: 1328-k52-p-7-8  
استادوخ: 1328-k65-p-2-37  
استادوخ: 1329-k52-p-6,7,5,4,8,10  
استادوخ: 1329-k52-p-1-20-14,15,16,17  
استادوخ: 1329-k52-p-20-25,26,27,28,29,30,31  
استادوخ: 1330-k52-p9-4,5,7-10  
استادوخ: 1330-k52-p9-6  
استادوخ: 1331-k52-p23-1,2  
استادوخ: 1332-k14-p-2-69  
استادوخ: 1337-k35-p13-2,4  
استادوخ: 1337-k35-p13-3,13  
استادوخ: SH1315-k20-p17-1-4  
ساکما: (sākmā) سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.  
ساکما: ۳۶۰۰۰۸۷۵  
ساکما: ۲۹۵/۷۲۰۸  
ساکما: ۲۴۰۰۲۲۶۸۱  
کمام: (kemām) کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.  
کمام: ۲/۱۳۰/۳/۱/۹۷/۱  
مُتَمَا (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.  
متما، ۱۳۲-۲-۴-۱۵-م.  
متما، ۱۴۴-۱۵-۸۷-م.

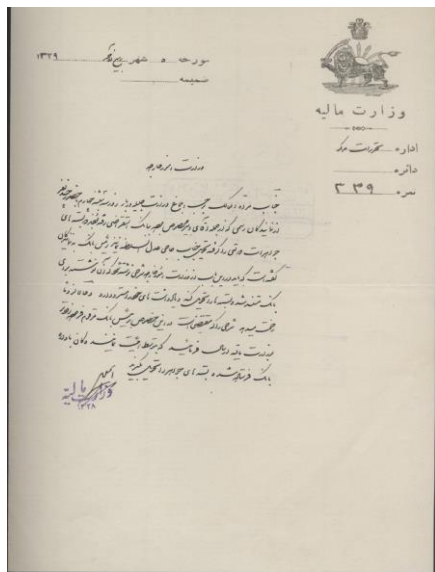
The National Archive (Britain):  
F.O416/34/441  
F.O.416/34/441 p303  
F.O. 416/34/64 p35  
F.O.416/34/378  
F.O 416/34/387  
F.O. 416/40/65&70

#### ب اسناد منتشر شده

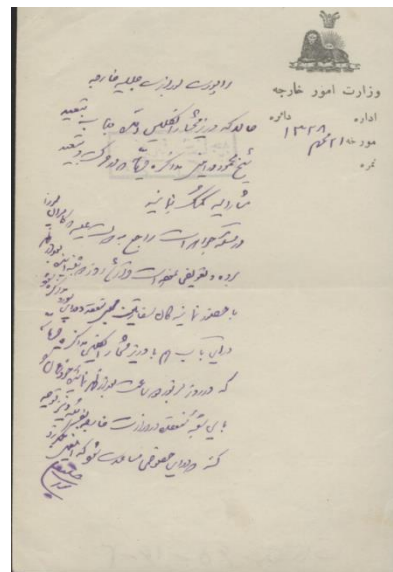
*اسناد روحانیت و مجلس*، زیر نظر غلامرضا فدایی عراقی، به کوشش منصوره تدین‌پور، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵.

Brown, E. *The Persian Revolution of 1905-1909*. Cambridge University Press, London: 1910.

*Iran political Diary 1881-1965*. Burrell, R.M. ed., 14 vols., Cambridge University Press, London: 1997.



estādux:GH1329-k52-p20-6



estādux:GH1328-k65-p16-2.

